

در سامانه شفافیت نکات قابل تأملی درباره یکی از قراردادهای شهرداری تهران وجود دارد

ماجرای یک قرارداد در آخرین روزهای زمستان



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه
از همان روزهای ابتدایی آغاز به کار سامانه شفافیت شهرداری تهران تا همین امروز، گهگداری به تناوب سوری به این سامانه می‌زنم و قراردادهایی که در آن بازگاری می‌شود را می‌بینم. نه اینکه همه آنها مشکوک باشند یا دچار مشکل، اما خوب شاید چیزی دستگیرمان بشود. یک جایی بالاخره این طور متعهد به شفافیت شده و مانده است، باید قدر بدانیم و از

این شفافیت ضمن استقبال، استفاده هم نکنیم. یکی دو روز پیش، لایه‌های همین گشت‌وگذارهای مقطعی بین قراردادهایی که در این سامانه بارگذاری شده‌اند بالاخره به موردی برخوردیم که بیش از خیلی دیگر از قراردادها قابل تامل و حتی پرداختن بود. می‌شد شبهات و سوالات زیادی پیرامون آن طرح کرد و نسبت به آن حساس شد، خصوصاً در دوره‌ای از شهرداری که در شعار و شاید در عمل پیگیر و موافق با مبارزه با فساد و شبهات اقتصادی و... است. همین چند وقت پیش هم بود که اخباری مبنی بر برخورد با فساد در شهرداری تهران رسانه‌ای شد و خیلی‌ها از آب گل‌آلود

شده‌اش ماهی گرفتند. با این اوصاف مورد خاصی که من به آن برخورد در حال حاضر شبیه‌های است که سوال ایجاد کرده و شاید پاسخ به آن بتواند گرهی را در ذهن یک رسانه و خبرنگار باز کند. آنها یکی که از فضای کار اقتصادی و قراردادی با مجموعه‌ها و سازمان‌های دولتی یا عریض و طویل مثل وزارتخانه‌ها یا همین شهرداری تهران مطلع هستند، می‌دانند که به سادگی امکان قرارداد بستن با آنها ممکن نیست و بر فرض انعقاد قرارداد به این سادگی‌ها نمی‌توان از هفت خسون نظارتی موجود گذشت و از آن مهم‌تر اینکه به پول رسید، حالا چه

پیش پرداخت و چه تمام پول قرارداد بسته شده. اصلاً یکی از ایرادات و انتقاداتی که به شهرداری‌ها خصوصاً شهرداری تهران، همیشه و همواره وارد بوده همین مسأله، یعنی سختی انعقاد قرارداد و دریافت پول بوده است. با این اوصاف اواخر سال پیش یک قرارداد قابل توجه، عجیب و البته پرشبهه‌ای در مجموعه فاوا شهرداری تهران با یک شرکت فعال در حوزه فناوری اطلاعات امضا شده است که تقریباً از تمام موانع و مسائلی که گفتیم و موجب گرفتاری و سختی مسیر ارتباط اقتصادی با شهرداری تهران بوده به سلامت گذشته است.

۵ شبهه درباره قرارداد ۱۲ میلیاردی شهرداری تهران با یک شرکت

۱

مگر مجموعه مدیریت شهری تهران سال‌ها پیش برای چنین نیازی سامانه و نرم‌افزار «تهران من» را راه‌اندازی و رونمایی نکرده است؟ مگر تمام خدمات شهروندی مورد نیاز شهروندان تهرانی در تهران من قابل دسترسی و استفاده نیست؟ چه نیازی به راه‌اندازی و خرید و نصب و توسعه یک سوپرایلیکیشن شهروندی جدید بوده است؟

۲

حسب تجربه و اطلاع و ناظر به وضعیت نهادها و سازمان‌های خاص و بزرگ، اواخر سال معمولاً قراردادی منعقد نمی‌شود، خصوصاً اگر اعداد و ارقام عجیب و غریبی مثل عدد موجود در این قرارداد داشته باشد. چرا و به قید چه فواید و صلاحی شهرداری تهران ۲۲ اسفند ماه و چند روز مانده به عید چنین قراردادی را امضا کرده است و چنین مبلغی را برای شرکت توسعه ارتباطات هوشمند تبیان در نظر گرفته و

۳

نیمی از آن را هم پرداخت کرده است، محل سوال جدی است. سوال و شبهه سوم مربوط به قسمت آخر بند قبلی است. شهرداری در ایام پایان سال و با آن شناختی که ما و خیلی‌های دیگر از پرداختی‌های آن دارند چطور زیر بار انعقاد چنین قراردادی رفته و چطور چنین پیش‌پرداختی را انجام داده است؟ آنقدر رانندازی این سوپرایلیکیشن که نمونه‌اش را داریم حیاتی بوده است؟

۴

ترک تشریفات به دستور مدیرعامل نکته حائز اهمیت و شبهه عجیب دیگر است. می‌دانیم که شرکت‌های زیادی، خصوصاً شرکت‌های دانش‌بنیان زیادی در این حوزه یعنی فناوری اطلاعات فعال هستند و درصد ورود به سازمان‌ها و نهادهایی شبیه به شهرداری تهران هستند تا بازار و کسب‌وکارشان را توسعه بدهند. این ورود هم جز از مسیر مناقصه و... امکان‌پذیر نیست. به‌رحال فضای رقابتی است و اعداد اعلامی و انتظاری هم اعداد بزرگی است. اما در این مورد شاهد این بودیم که چنین قرارداد مهمی بدون برگزاری مناقصه و با ترک تشریفات به دستور مدیرعامل با شرکت توسعه ارتباطات هوشمند تبیان امضا شده است! چرا؟

۵

اما سوال پایانی اینکه، بعد از مشاهده این قرارداد، با چند نفر از فعالان حوزه تماس گرفتیم و جویای هزینه راه‌اندازی و نصب و توسعه چنین نرم‌افزاری شدیم. اعداد اعلامی فاصله معناداری با قرارداد انعقادی شهرداری با شرکت نامبرده که متعلق به ح.خ.م است دارد. یعنی با اعداد و ارقام به مراتب پایین‌تری، شرکت‌ها و اشخاص متعدد و مختلفی هستند که می‌توانند این کار را انجام بدهند. اینها را می‌توان شبهات پیرامون این قرارداد و شاید برخی دیگر از قراردادهای از چشم افتاده و موجود در سامانه شفافیت دانست که نیازمند روشنگری و پاسخ شهرداری تهران است.

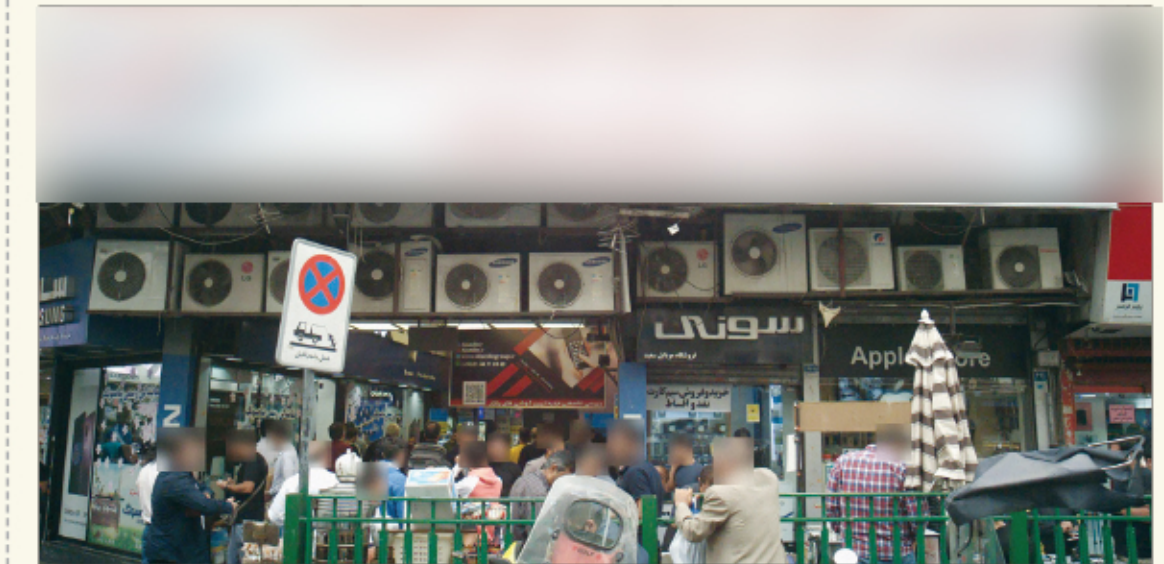
مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی - سردبیر: مسعود فروغی
تلفن وکس: ۰۲۱ ۶۶۹۹۶۹۵ - کدپستی: ۱۱۴۵۲۳۸۱۸
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی: خیابان حافظ، پلاک ۱۳، تهران، خیابان فریاد، طبقه سوم

Table with 10 columns: ردیف, نام شرکت, مبلغ قرارداد, تاریخ انعقاد, وضعیت پرداخت, توضیحات. Contains data for various contracts.

Logo of 'Fardayan' and a detailed text block regarding the company's mission and services in the field of smart city solutions.

ناایمن و پراکنده، دیوپی اجناس در مساعات، ناایمنی جان‌پناه‌ها و شبکه برق داخلی ناایمن و پراکنده به تنهایی چند دلیل از دلایل ناایمنی پاساژ شانه‌لایه است اما چه فرقی دارد شانه‌لایه باشد یا علاءالدین، وقتی هر لحظه ممکن است آوار آن ساختمان‌ها روی سر چندین خانواده بریزد؟ اصلاً چه فرقی دارد شانه‌لایه تهران باشد یا آبادان یا رشت؟ اما به‌رحال می‌توانیم بگوییم خوشبختانه متروپل در داستان ناایمن بودن ساختمان‌ها، به نقطه عطفی تبدیل شد که دستگاه‌های مربوطه و علی‌الخصوص دادستانی، به ضعف مدیریتی و فنی این ماجرا ورود کنند و با اعلام اولتیماتوم به مالکان ساختمان‌های ناایمن پایتخت برای رفع موارد ناایمن، جدیت برخورد نشان دهند. اعلام نام ۱۲۹ ساختمان ناایمن در تهران نیز قاطعیت دادستانی کشور و پیگیری این مسأله را به مردم نشان داد که اگر چه پلاسکو عبرتی برای جدیت در ایمن‌سازی ساختمان‌ها نشد اما ریزش متروپل و آوار آن، آیین تمام‌نمای سهل‌انگاری در مدیریت فنی سازه‌ها در کشور قرار گرفت. در آن سوی قضیه اما اعلام نام ساختمان‌های ناایمن در تهران، این پرسش را به وجود آورده است که آیا برنامه‌ای برای بررسی وضعیت ناایمنی ساختمان‌های سایر کلانشهرهای کشور به جز تهران نیز وجود دارد؟ اغلب افرادی که به شهرستان رفت و آمد دارند یا حتی کار ساخت‌وساز در شهرستان انجام داده باشند، اطلاع دارند که دور زدن قانون، آن هم در مسأله‌ای مانند ناایمنی، جدیت سازه‌ها آنگونه هم کار سختی نیست و با چند تماس و تأیید فامیل بازی، به راحتی امضای مهندس ناظر گرفته می‌شود. این جریان و مسکوت ماندن ناایمنی ساختمان متروپل به قیمت کشته شدن ۴۳ هموطن کشورمان تمام شد که بعد از آوار شدن آن ساختمان اعلام شد. کم‌اینکه اصلاً متروپل در شهرستان اتفاق افتاد و خود این مسأله نشان می‌دهد که بررسی، اعلام نام ساختمان‌های ناایمن و برخورد با مالکان ساختمان‌های ناایمن در سایر شهرهای کشور همان جدیتی را می‌طلبد که برای ۱۲۹ ساختمان‌های ناایمن تهران به کار گرفته شد. وجود ساختمان‌های ناایمن در هر کجای کشور مانند بمب ساعتی است و هر لحظه ممکن است منفجر شوند و فرو بریزند. هیچ کس هم نمی‌داند اکنون، این ساعت و دقیقه ممکن است کدام ساختمان ناایمن فرو بریزد؟ مثل متروپل سراسر شهر است؟ یا نصف شب تاب آوردن ساختمان تمام به پایان می‌رسد؟ اصلاً کدام یک از آن ۱۲۹ ساختمان است؟ بیمارستان‌های ناایمن قرار است جان بیماران را بگیرند یا مجتمع‌های مسکونی و خانه‌هایی که محل آرامش و آسایش خانواده‌های ساکن‌شان هستند، قرار است پودر شوند و بریزند؟ نگاه‌ها به ساختمان‌های ناایمن و جبران کاستی‌ها در مدیریت فنی باید به نگاهی ملی تبدیل شود. یعنی برای مدیران مربوطه، فرقی نداشته باشد علاءالدین یا یک ساختمان دیگر در آن سوی کشور ناایمن هستند یا مرکز. آنچه که باید مهم باشد، برخورد با مالکان و تسریع در برطرف‌سازی ناایمنی این ساختمان‌هاست.

خبر «فرهنگستان» درباره ساختمان‌های ناایمن تهران تأیید شد دادستانی علیه بمب‌های ساعتی تهران



اول بسیاری از ما نیز درگیر این مسأله شویم و واکنش‌های احساسی نسبت به بیکار شدن عده‌ای از هموطنانمان از خودمان نشان دهیم اما با مرور دو حادثه تلخ پلاسکو و متروپل، آنجاست که متوجه خواهیم شد که قطعا حفظ جان از نان مهم‌تر است و آوار یا حریق که روی سر افراد مستقر در ساختمان‌های ناایمن فرو بریزد، تا بد آن‌ها در بر جان خانواده‌ها خواهد ماند. لیست ۱۲۹ ساختمان ناایمن پایتخت را که بالا و پایین کنیم، بسیاری از مراکز خرید و حتی تفریحی نام‌آشنا دیده می‌شود که دقیقاً مانند متروپل، در عین لوکس بودن و به‌کارگیری المان‌های جذاب در معماری بنا ناایمن هستند. یعنی مالکان برای المان‌های زیبایی‌شناسی در معماری هزینه صرف کرده‌اند اما برای ایمنی ساختمان‌ها و حفظ جان افراد، همشهریان و هموطنان‌شان کم‌اهمیت‌تر از نمای ساختمان بود. در بین نام ۱۲۹ ساختمان ناایمن، چندین ساختمان بسیار پرخطر و ناایمن به دلیل قدمت، تمرکز و تراکم مناطق ۱۱ و ۱۲ شهرداری متعلق به این مناطق هستند. پاساژهایی مانند پاساژ آلو مینیوم، علاءالدین، آزاد، مهستان، پاساژ آزاد و پاساژ شانه‌لایه در همین منطقه هستند. عدم نصب کندانسورهای گولرهای گازی روی نما، عدم نصب کفپوش عایق در مجاورت تابلوهای برق، عدم نصب خاموش‌کننده‌های مناسب در مجاورت تابلوهای برق، عدم نصب تابلوهای نشانگر نورتاب خروج اضطراری و نشانگر طبقات، عدم انتقال وسایل گازسوز شعله‌میران پرتابل به خارج از مجموعه، انبارداری و مجتمع‌های تاکسی‌رانی، مرکز گل شهید محلاتی، بندکداری خوانساری، انبار چای، ساختمان مسکونی امام رضا (ع)، بازار گل امام رضا، شهرک بروجردی، مجتمع مسکونی ابوالفضل، درمانگاه سلیم، پاساژ بهارن، پاکسان، زیره کفش نصیری‌زاده، پاساژ یکتا موسوی، بیمارستان شهدای یافت‌آباد، بیمارستان فیاض‌بخش، شرکت تکنو صنایع، خوابگاه دانشگاه شریعتی، خوابگاه دانشگاه شاهد، پاساژ زنجانی، مجتمع ۲۲ بهمن، تالار طوبی، مجتمع مسکونی بهار، مجتمع مسکونی آرکید، مجتمع ارم، مجتمع مسکونی گلستان، مجتمع مسکونی تجاری امین، مجتمع مسکونی ولیعصر، مجتمع مسکونی رازی، مجتمع مسکونی خاتم‌الانبیاء، کارخانه ارج، هلدینگ خودکفایی آزادگان، شرکت صنایع نساجی هلال ایران، سازمان اموال تملیکی، مجموعه انبارهای شهید حدادی، مجتمع تجاری بلند و مجتمع اداری تجاری طوبی هم در فهرست ساختمان‌های ناایمن قرار دارند. به قول جلال ملکی، عادت داریم در این مسائل احساسی رفتار و برخورد کنیم. اما تجربه تلخ متروپل نشان داد که ایمنی ساختمان‌ها از نان شب هم واجب‌تر است. و اگر بخوایم در خصوص ناایمنی ساختمان‌ها گفت‌وگو کنیم یا با چند امضای اشتباه، ناایمنی آنها را نادیده بگیریم، نتیجه جز سوگ جمعی چندین خانواده نخواهد بود. اخیراً به دنبال پلمب پاساژهای ناایمن در تهران، دیده شده است که عده‌ای نسبت به این موضوع و تعطیلی مشاغل واکنش نشان دادند. شاید در وهله

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه جامعه
سر ظهر بود. یادم نمی‌آید ساعت دوازده بود یا یک. اما زمانی بین این دو ساعت؛ دوم خرداد پارسال، خواهر بزرگ‌ترم تماس می‌گیرد و خبر از فرو ریختن ساختمان لوکس متروپل آبادان می‌دهد. صدایش را ولی هنوز به‌خاطر دارم. استرس و اضطرابش را از آن سمت تلفن به من هم انتقال می‌دهد و قطع می‌کند. از پشت میز پا می‌شوم. با پدرم تماس می‌گیرم تا ببینم عموزاده‌هایش یا آشنا و فامیل هم زیر آن آوار لعنتی مانده‌اند؟ دبیر حوادث روزنامه‌مان بی‌اطلاع از موضوع بود. هنوز در فضای مجازی خبر موثقی منتشر نشده بود. نه آمار کشته‌شده‌ها و نه دلیل فرو ریختن متروپل. همان ساعات اولیه، تنها چند فیلم و عکس از منابع محلی منتشر شد. دلم نمی‌خواست باور کنم. هیچ کس دلم نمی‌خواست باور کند ولی متروپل بر سر تعدادی از هموطنانمان فرو ریخته بود و ده‌ها نفر زیر آن آوار لعنتی جان باخته بودند. آوار غصه متروپل هم روی تمام آبادان ریخته شده بود. هر جا می‌رفتی کنار در خانه یا مغازه‌اش پلاکاره ترجمیم بود و هر کس را می‌دید یا پیراهن مشکلی به تن کرده بود. بابا می‌گفت تاریخ برگشته و داغ سینما رگس دوباره تازه شده است. این بار در زمان و تاریخی دیگر. دقیقاً یک‌سال از آوار شدن متروپل می‌گذرد. دوم خرداد، یک‌سالگی داغی بود که بر جان ۴۳ خانواده آبادانی نشست. دو روز گذشته، یعنی دوم خرداد بالاخره معاونت حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور نام ۱۲۹ ساختمان ناایمن تهران را اعلام کرد. پاساژ میری ۱، مجتمع تجاری اداری خلیج فارس، ساختمان پیروزی، بازارچه سنتی ستارخان، گل افشان، مجتمع خلیج فارس ۲، ساختمان هرمزان، مجتمع تجاری یادگار، مجتمع تجاری و پارکینگ توحید، برج بهارن، اداره مالیات غرب تهران و مرکز خرید سپهر، شرکت جار، بیمارستان حضرت رسول اکرم، پاساژ ناهید، اداری و تجاری به، ساختمان افرا، پاساژ فجر، مجتمع تجاری و مسکونی ولیعصر، برج نگین رضا، انبار نفت شهران، مجتمع تجاری و اداری بوستان، مجتمع فرهنگی، ورزشی و تفریحی ارم و ساختمان جهاد کشاورزی از جمله ساختمان‌های ناایمن در تهران است. همچنین مجتمع ونک پارک، ساختمان ذوب‌آهن، بیمارستان امام خمینی (ره)، پاساژ کویتی‌های انقلاب، ساختمان ابتکار، شرکت بستنی پاک، انبارخانه کارگر، بیمارستان لولاگر، پاساژ میلاد قائم، پاساژ مهستان، مرکز تجاری افرا، ساختمان علاءالدین، سرای وحید، سرای حاج‌ملاعلی، پاساژ حمام قیله، پاساژ رضوی، پاساژ و سینما اروپا، پاساژ گراند هتل، سرای سیدولی، سرای اتفاق، پاساژ شناسا، پاساژ زورخانه، پاساژ وحدت، پاساژ بلور، سرای باغچه (علی گوله)، سرای رشتی، پاساژ طرازاده، پاساژ صفوی، پاساژ امین، پاساژ علمی، بیمارستان طرفه، بیمارستان سینا و بیمارستان بوعلی نیز از دیگر ساختمان‌های ناایمن در تهران هستند.